

نگاهی نو به جنگ با مرتدّان

• علی الكورانی العاملي

• ترجمه جواد محدّثي



www.ketab.ir

سرشناسه: کورانی، علی، ۱۴۴۴-م.

Kurani, Ali

عنوان قراردادی: قراءه جدیدہ لحروب الردہ، فارسی

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی نو به جنگ با مرتدان

علی الکورانی العاملی؛ ترجمه جواد محدثی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۵۸-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: جنگ های رده

Riddah Wars

فتوحات اسلامی

Islamic conquests*

اسلام -- تاریخ -- از آغاز تا ۴۱۱ ق.

661 Islam -- History -- To

شناسه افزوده: محدثی، جواد، ۱۳۳۱-، مترجم

شناسه افزوده: Mohadesi, Javad

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

رده بندی کنگره: DS۳۵/۶۳

رده بندی دیویی: ۹۷۰/۱۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۹۷۳۸۷

اطلاعات رکوردر کتابشناسی: فیبا



عنوان: نگاهی نو به جنگ با مرتدان

تألیف: علی الکورانی العاملی

ترجمه: جواد محدثی

ویراستار: بهار دانشور

نگاهی نو به جنگ با مرتدان

صفحه آرا: سعید احسان عابدی

طراح جلد: محمد عباس زاده



۱۰۱۳۷۲۰۰

ریال ۱۵۰۰۰۰۰۰

نوبت چاپ: اول • تابستان ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۷۲-۰۵۸-۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

دفتر مرکزی: تهران، میدان آذربایجان، معادلی جنوبی، پلاک ۷، طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ • شماره: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۶۰۶

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرقی، پلاک ۵ و ۴

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۸۰ • شماره: ۸۸۸۰۳۸۴۳

مرکز پخش قم: بلوار شایسته، جنب، مصفا، قدس

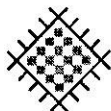
تلفن: ۰۲۵-۳۶۶۲۰۳۶۹

Email: Shchapanashi@gmail.com

nashrebeynalmil.ir

همه حقوق محفوظ است.

فهرست



مقدمه ۹

نقش علی علیه السلام در جنگ با مرتدان ۱۵

- ۱۷ خطر ارتداد از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۸ هدف ارتداد قبایل، محور اسلام بود
- ۲۴ ابوبکر و عمر، فاقد هیئت نظامی
- ۳۳ هنگام خطر نیاز به علی علیه السلام
- ۳۸ تلاش ابوبکر برای آشتی و مشورت با علی علیه السلام
- ۴۳ مشورت ابوبکر با عمر و علی علیه السلام در مقابله با طلحه

خطرناک‌ترین و خوش‌فروجام‌ترین مدعی پیامبری ۴۷

- ۴۹ شخصیت طلحه رضی الله عنه اسدی
- ۴۹ بنی‌اسد بن خزیمه
- ۵۰ بنی‌اسد پذیرای طلحه
- ۵۰ طلحه از جوانی طمع در نبوت داشت
- ۵۲ شیخون طلحه به مدینه از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۵۳ طلحه نزد پیامبر
- ۵۳ طلحه، خطیبی شاعر
- ۵۴ استفاده از فرصت‌ها برای بسیج یاران
- ۵۷ هجوم طلحه به مدینه
- ۵۹ نسبت دادن قریش دفع حمله را به والیان خود
- ۶۱ نمونه دیگری از تحریف تاریخ به علت دشمنی با علی علیه السلام

- ۶۵..... سلام خدا بر علی مظلوم علیه السلام
- ۶۹..... دروغ‌هایی برای اثبات شجاعت ابوبکر
- ۷۲..... نتیجه
- ۷۳..... غیبت عمر و گروه او در دفاع از مدینه
- ۷۴..... هزیمت طلیحه، کار عدی بن حاتم، به نام خالد
- ۷۶..... ابتکار عدی بن حاتم در فرماندهی
- ۷۷..... گریختن خالد با سپاهش و پناه بردن به عدی بن حاتم
- ۸۰..... عدی پناه و تکیه‌گاه خالد
- ۸۳..... بار سنگین نبرد بر دوش طئی و انصار
- ۸۷..... عامل حمایت قبایل از طلیحه
- ۸۷..... توبه طلیحه پس از فرار مفتضحانه
- ۸۸..... مشارکت طلحه در فتوحات
- ۹۰..... قهرمانی خالد در کشتار بی‌دفاعان

۹۳..... عدی بن حاتم، شریف در جاهلیت، فرمانده در اسلام

- ۹۵..... پدرش حاتم طایی، نمونه سخاوت در عرب و جهان
- ۹۷..... عدی بزرگترین وارث جایگاه حاتم
- ۱۰۱..... بازگشت عدی به سرزمین خود، دوباره آمدنش با سران قبیله
- ۱۰۴..... استواری بر اسلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۰۵..... حضور در کنار خالد در نبرد با مسیلمه کذاب
- ۱۰۵..... مشارکت در فتح عراق
- ۱۰۵..... مشارکت عدی و قبیله‌اش در نبرد جسر در عراق
- ۱۰۶..... عدی و ادامه نبرد
- ۱۰۷..... مشارکت عدی در فتح مصر همراه پسرش حاتم
- ۱۰۷..... عدی از معترضان به عثمان و متهمان به مشارکت در قتل او
- ۱۰۹..... عدی، راوی مناقب علوی
- ۱۰۹..... حضورش در مدینه هنگام جنگ جمل
- ۱۱۳..... نقش مؤثر عدی بن حاتم و قبیله‌اش در جنگ جمل
- ۱۱۵..... همراه علی علیه السلام در صفین
- ۱۱۶..... عدی و جمعی از صحابه در نبرد با معاویه
- ۱۱۶..... عدی در جنگ خوارج نهروان

۱۱۷	هنگام شیخون معاویه به مناطقی از عراق
۱۱۷	وفاداری عدی به علی <small>رضی الله عنه</small> تا پایان عُمر
۱۱۹	سکونت در کوفه پس از علی <small>رضی الله عنه</small>
۱۲۰	عمر طولانی عدی تا زمان مختار
۱۲۰	سرنوشت فرزندان عدی بن حاتم
۱۲۲	حماقت مشهور زید پسر عدی حاتم

۱۲۳ جنگ یمامه نمونه تحریف تاریخ

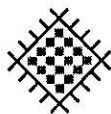
۱۲۵	قبیله مسیلمه کذاب
۱۲۵	ثمامه بن اثال، افتخار بنی حنیفه
۱۲۷	تعیین ثمامه به عنوان والی یمامه
۱۲۸	نبرد ثمامه با مسیلمه
۱۲۹	بی‌اعتنایی ابوبکر و خالد به ثمامه
۱۳۰	جهاد ثمامه با مرتدیان همراه علاء حضرمی
۱۳۳	هزده بن علی، پادشاه یمامه
۱۳۴	رقابت مسیلمه کذاب و ثمامه
۱۳۵	هیبت بنی حنیفه به مسیلمه نزد پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۳۶	آرزوهای مسیلمه کذاب
۱۳۷	سجع و جادوی مسیلمه
۱۳۷	تجاوز مسیلمه به مسلمانان
۱۳۸	سجاج، ادعای نبوت و ازدواج با مسیلمه
۱۴۱	ابوبکر و اعزام نیرو برای نبرد با مسیلمه
۱۴۲	اعزام خالد
۱۴۳	اسارت مجاعه به دست خالد
۱۴۳	تعداد سپاه مسیلمه و مسلمانان
۱۴۴	تصویر کلی نبرد یمامه
۱۵۰	فرار خالد از نبرد یمامه بی‌آنکه بجنگد
۱۵۴	پیروزی آفرینان نبرد یمامه
۱۵۶	عمار یاسر
۱۶۱	عمار، کشته پیشوای جهنمی
۱۶۳	ابودجانة انصاری

- ۱۶۵ قهرمانی ابودجانة در نبرد یمامة
- ۱۷۱ برای بن مالک انصاری
- ۱۷۱ شرکت برای در جنگ با مرتدان و فتح عراق و ایران
- ۱۷۳ نقش برای در جبران هزیمت مسلمانان در یمامة
- ۱۷۶ چه کسی مُحکَم یمامة (وزیر مسیلمه) را کشت؟
- ۱۷۷ هنگام حمله مسلمانان، خالد کجا بود؟
- ۱۷۹ عباد بن بشر انصاری
- ۱۸۰ ثابت بن قیس انصاری
- ۱۸۱ ثابت بن قیس، مؤمن، متقی و بهشتی
- ۱۸۲ همراه انصار و علی رضی الله عنه بر ضد اهل سقیفه
- ۱۸۵ ثابت، از عارفان به مقام امیرالمؤمنین رضی الله عنه
- ۱۸۶ حضور، هنگام آمدن مسیلمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۸۷ پیرچمدان انصار در نبرد یمامة
- ۱۸۸ پیروزی موهوم خالد در نبرد یمامة
- ۱۸۹ درخواست صلح خالد از مجاعة
- ۱۹۱ فرمانی خالد در کشتن ۷ هزار مسلمان!
- ۱۹۲ خالد و توجیه کشتار نجدیان
- ۱۹۴ ازدواج خالد با دختر مجاعة
- ۱۹۶ خالد و دور داشتن ثمامه از امور یمامة
- ۱۹۷ تلاش فرماندهان میدانی، ولی به نام رهبر سیاسی

۱۹۹ متهمان به ارتداد به سبب تشیع

- ۲۰۱ قبایلی از بنی تمیم و کنده، مخالف خلافت ابوبکر
- ۲۰۱ صحابی مالک بن نویره و قوم تمیمی او
- ۲۰۵ بنی کنده، افشاگر توطئه قریش علیه اهل بیت علیهم السلام

مقدمه



سپاس خدای جهان را و برترین درود و سلام بر پیامبرمان محمد ﷺ و خاندان پاکش باد، به ویژه بر پیشوای نخست، امیرالمؤمنین ﷺ قهرمان اسلام و بازوی پیامبر و درهم کوبنده دشمنانش و زداينده اندوه از چهره اش، گشاینده قلعه ها و نگهبان اسلام و امت پیامبر پس از او و پیشوا و راهنمای نیکان به بهشت جاودان.

علی ﷺ در نبردهای پیامبر ﷺ و پیروزی هایش، ستون فقرات جنگ ها بود. وقتی او را از خلافت کنال زدند و گوشه نشین شد، قبایل قدرت طلب خوشحال شدند و با سرکردگی «طلیحه»، مدعی پیامبری، هم پیمان شدند که پایتخت پیامبر را اشغال کنند. این بود که طلیحه شصت روز پس از وفات پیامبر، با ۲۰ هزار جنگجو به مدینه هجوم آورد. اینجا بود که علی ﷺ این شیر زخمی، با آنکه نظام حکومت را قبول نداشت به دفاع از اسلام و مسلمانان برخاست، نقشه ای برای دفع تهاجم کشید، حراست از مدینه را مرتب ساخت و رودرروی مهاجمان ایستاد و سرکرده آنان، «جبال» و دیگر سرانشان را کشت و آنان را به هزیمت و شکست واداشت؛ سپس همراه مسلمانان، آنان را تا اردوگاه شان «ذی قصه» تا بیست کیلومتر دورتر از مدینه عقب راند و ابوبکر را برای نبرد با مدعیان پیامبری تشویق نمود که اولین آنان در حائل، طلیحه بود؛ سپس مسیلمه در یمامه که شهرکنونی ریاض است.

علی علیه السلام، هنگامی که مالک اشتر را به استانداری مصر گماشت، در نامه ای به مردم مصر چنین نگاشت:

اما بعد، خدای سبحان، محمد صلی الله علیه و آله را بیم رسان جهانیان و حاکم بر پیامبران برانگیخت. چون آن حضرت درگذشت، مسلمانان پس از او درباره حکومت نزاع کردند. به خدا سوگند هرگز در دلم خطور نمی کرد که عرب، پس از او، خلافت را از خاندانش دور کنند و مرا از آن مانع شوند. چشم گشودم و دیدم مردم برای بیعت سراغ ابوبکر رفتند. دست نگه داشتم، تا آنکه دیدم مردمی از اسلام برگشته اند و به نابودی دین محمد صلی الله علیه و آله کمر بسته اند. ترسیدم اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه و شکستی در اسلام پیش آید و مصیبتی بالاتر از دست دادن حکومت بر شما شود. این روزها زمانی اندک است و همچون سراب می گذرد و مثل ابراز آسمان می رود. این بود که گام در آن حواث نهادم تا آن که باطل نابود شد و دین در جایگاه خود آرام گرفت.^۱

ابوبکر برای ساماندهی جنگ بر ضد قبایلی که طمع در حکومت اسلام داشتند از امام علی علیه السلام مشورت گرفت. علی علیه السلام تک سواران درس آموخته خود را که نخستین آنان عذی بن حاتم بود برای آگاهی بخشی به قبایل و مقابله با طلیحه اعزام کرد؛ سپس گروهی از اصحاب زبده خود همچون عمار یاسر، ابودجانه و ثابت بن قیس را برای جنگ با مُسیلمه فرستاد، آنان هم در آن حواث و نبردها برای اسلام پیروزی آفریدند و مرتدان را فراری دادند. ابوبکر درباره نبرد با رومیان هم از آن حضرت نظر مشورتی خواست و حضرت فرمود: «به نظرم اگر

۱. نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۱۸؛ الغارات ثقی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۳۳ و منابع دیگر.

خودت به سوی آنان حرکت کنی یا سپاهی را بفرستی به خواست خدا پیروزی.» او هم گفت: «خدا تو را مژده نیک دهد.»^۱

نهضت علی علیه السلام در دل ابوبکر تأثیر گذاشت و پس از اینکه در خلافت بر علی علیه السلام پیشی گرفت عذرخواهی کرد و تأکید کرد که پس از مرگ خود، خلافت را به او برگرداند. شیخ صدوق نقل می‌کند:

آن که پس از پیامبر حاکم شد، همواره از من عذر می‌خواست و دیگران را در اینکه حق مرا گرفتند و بیعت با مرا شکستند نکوهش می‌کرد و از من حلالیت می‌طلبید. من هم می‌گفتم: دوران تو می‌گذرد و حق خدایی من، خواهی نخواهی، به من برخواهد گشت بی آنکه در اسلام نوپا که تازه از جاهلیت رهیده، به سبب حق خواهی خودم، رخنه و رخدادی پدید آورده باشم، شاید یکی بگوید آری، دیگری بگوید نه و اینها از حرف به عمل برسد. گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که نسبت به خدا و رسول و قرآن و دین خیرخواه بودند، پیوسته سراغم می‌آمدند و در نهان و آشکار از من می‌خواستند که حق خودم را بگیرم و آماده‌ی جانبازی بودند تا بیعتی را که بر عهده داشتند ادا کنند. من می‌گفتم: آرام و صبور باشید، امید است بدون خشونت و خونریزی، خدا آن را به من برگرداند. پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله گروه زیادی از مردم به تردید افتادند و کسانی که شایستگی خلافت نداشتند، پس از آن حضرت در حکومت طمع کردند. هر گروهی می‌گفتند: پیشوا باید از ما باشد و آنچه آنان را به طمع واداشت این بود که کسی جز من عهده‌دار خلافت شد. چون مرگ خلیفه نزدیک شد و روزگارش به سر آمد،

حکومت را برای رفیقش (عمر) ترتیب داد، او هم نسبت به خلافت و من همان حالت و موضع را داشت.

پس از درگذشت ابوبکر، عمر هم در جنگ با امام علیه السلام مشورت می کرد. آن حضرت، هم امور جنگ را مدیریت می کرد و هم برای آن فرماندهان و رزمندگانی برمی گزید و مسلمانان را به پیروزی می رساند. وقتی ایرانیان سپاهی در حدود ۱۵۰ هزار نیرو فراهم آوردند تا حمله ای سخت بر مدینه ترتیب دهند، عمار یاسر که آن زمان والی کوفه بود، طی نامه ای به عمر گزارش داد. عمر ترسید و به وحشت افتاد و با علی علیه السلام مشورت کرد. علی علیه السلام به او نظر مشورتی داد و برای جنگ نقشه ای ارائه کرد و به او اطمینان داد که پیروز می شود؛ سپس دو فرمانده (نعمان بن مقرن و حذیفه) را برگزید. عمر خوشحال شد و تشکر کرد و دست آن حضرت را در نبرد نهانید که بزرگ ترین جنگ با ایرانیان بود بازگذاشت او هم در این نبرد پیروزی آفرید.

همچنین در نبرد یرموک، علی علیه السلام، مالک اشتر و عمرو بن معدی کرب و هاشم مرقال و جمعی از قهرمانان را فرستاد و پیروزی به دست آوردند. در فتح مصر نیز پیروزی و صلح را بدون درگیری به دست آورد. نیز در فتح مصر بزرگانی از صحابه که شاگردان علی علیه السلام بودند، همچون عباد بن صامت، ابوذر غفاری، مالک اشتر و مقداد مشارکت داشتند. در زمان عثمان نیز وقتی رومیان به مصر هجوم آوردند، دو شاگرد علی علیه السلام، یعنی محمد بن ابی بکر و محمد بن حذیفه نبرد ذات الصواری را رهبری کردند و تهاجم رومیان را از آن دفع کردند؛ ولی حکومت همه این پیروزی ها را به فرماندهان خودش، مثل خالد بن ولید، عمرو عاص و ابوموسی اشعری نسبت داد. در حالی که در عرصه نظری و میدانی، برتری با علی علیه السلام و شاگردان و تک سوارانش بود. از این رو علی علیه السلام از قریش شکوه می کند و می گوید:

خدایا! از قریش نزد تو شکایت دارم، آنان پنهانی انواع مختلف بدی‌ها و نیرنگ‌ها را بر ضد پیامبرت در دل داشتند؛ ولی ناتوان شدند و تو میان آنان و حیل‌هایشان فاصله انداختی و آن‌ها نصیب من شده، اگر نه این بود که قریش، نام پیامبر را وسیله‌ای برای رسیدن به ریاست و نردبانی برای قدرت و حکومت قرار داده بودند، پس از پیامبر یک روز هم تو را عبادت نمی‌کردند و به کلی از دین برمی‌گشتند و مانند روز اول می‌شدند. خداوند فتوحات دیگری برای آنان پیش آورد که پس از آن تنگدستی و گرسنگی و سختی به ثروت و رفاه رسیدند، بخش‌های آسان اسلام در چشمان آن‌ها زیبا جلوه کرد و دین لوزان‌شان در دل‌هایشان آرام گرفت و گفتند: اگر دین برحق نبود چنین نمی‌شد!

پس آن فتوحات را به فکر سردمداران و تدبیر امیران حکومت نسبت دادند. نزد مردم عده‌ای چهره شدند و عده‌ای گمنام ماندند و ما از آن گمنامان بی‌فروغ بودیم که صدا و آوازه ما قطع شد، روزگار بر ضد ما چرخید و سال‌ها و نسل‌هایی با این وضع سپری شد، بسیاری از شناخته شده‌ها مُردند و بسیاری از ناشناخته‌ها رشد کردند!

علی علیه السلام می‌گوید: او بود که هجوم مرتدان به مدینه را دفع کرد و خلیفه را برای جنگ با مرتدان و این فتوحات برانگیخت و نبردها را مدیریت و فرماندهانش را آماده کرد؛ لیکن حکومت و دستگاه تبلیغاتی‌اش آن‌ها را به خلیفه و فرماندهان رسمی خلافت نسبت داد. روشن است که امام علیه السلام نسبت به ستم‌هایی که همراه فتوحات و به دست فرماندهان وابسته به حکومت رخ داد، مسئول نیست.

از این رو نیاز است که درباره جنگ‌های رده و بیان نقش امیرالمؤمنین علیه السلام در آن‌ها بحث شود. این سرآغازی برای بررسی فتوحات اسلامی و نقش علی علیه السلام و شاگردان او در آن‌هاست. در این بررسی‌ها خواهید دید که محدثان بیش از مورخان، نظر شخص خود را دخالت داده‌اند. پس جنگ‌های رده و فتوحات، نیازمند نگاهی نو برای کشف واقعیت آن‌هاست.

قم، علمی الکتورانی العاملی
۲ جمادی الثانی ۱۴۳۲ قمری